**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و پنجم\_ 23 دی 1399**

[ادامۀ تشریح کلام آیت الله سیستانی]

کلام در بررسی رابطه و اختلاف تعارض است با مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت، فرموده­اند این دو هم از حیث حقیقت با یکدیگر اختلاف دارند، هم از حیث مصداق و مورد عموم و خصوص من وجه هستند و مختلف و هم از حیث احکام و آثار که جهت سوم اختلاف این دوست.

می فرماید: **و اما اختلافهما من حیث الاحکام و الآثار فیظهر الفرق بینهما فی موردین،** از جهت احکام و آثار بین مسالۀ تعارض و مسالۀ اشتباه حجت با لا حجت، در دو مورد فرق ظاهر می شود.

مورد اول بحث نفی ثالث است. مسألۀ نفی ثالث را من قبلا عرض کنم تا توضیح فرمایش ایشان. مساله نفی ثالث که یک مدلول التزامی است در چند جا در فقه و اصول مطرح می شود، یکی از آن موارد بحث اجماع مرکب است که اگر گروهی به قول الف، فتوا دادند، گروهی به قول باء فتوا دادند، ببینیم در چه صورتی نفی جیم به عنوان قول ثالث در اینجا محقق خواهد بود. این یک جا. یکی هم در بحث تعارض است، که خواهم گفت امروز ان شاء الله.

حال می فرماید بین مسألۀ تعارض و مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت در نفی ثالث اختلافشان ظاهر می شود، چگونه؟ با این بیان که اگر ما می دانیم حجت فعلیه از دو حال خارج نیست، یا در دلیل الف قرار دارد، یا در دلیل باء قرار دارد، این اشتباه حجت با لا حجت است، یعنی یا دلیل الف حجت است یا دلیل باء. اگر احتمال می دادیم که جیم هم حجت است خب می گفتیم دار الامر بین الف و الباء و الجیم.

فرض بحث ما این است که بین الف و بالباء حجت فعلیه داریم، این یعنی اگر حجتی بود، یا الف است، یا باء و جیم نیست، پس نفی ثالث در مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت، امری طبیعی است، وفق قاعده است،

به تعبیر ایشان **المورد الاول مسألة نفی الثالث عما فی مسألة الاشتباه فیکون نفی الثالث وفق القاعدة لأننا نعلم اجمالابوجود الحجة الفعلیة بین الدلیلین، علی احد هذین الحکمین. فالثالث لو کان محتملا فلدینا حجة فعلیة علی خلافه لان الحجیة لا تعنی الا صدق ما قامت علیه الحجة دون غیره**

توضیح این عبارت این است که فرض بحث ما در مساله اشتباه حجت با لاحجت این است که حجت فعلیه یا دلیل الف است یا دلیل باء است، و غیر از این دو احتمال نمی دهیم، حجت فعیله ایی را و این خود یعنی حجت فعلیه داشتن علیه قول ثالث. این خود یعنی نفی دلیل ثالث.

معنای حجیت فعلیه داشتن الف یا باء این است که جیم حجت فعلیه نیست. بنابراین نفی ثالث در مسالۀ اشتباه حجت با لا حجت امری وفق قاعده است. احتیاج به بیان و توضیحی زائد ندارد.

به بیان بنده اگر بخواهیم فرض بحث را اینگونه قرار دهیم که اما دلیل الف حجت است بالفعل، و اما دلیل باء حجت است بالفعل، فرض این که جیم هم حجت بافعل باشد، خلف است، خلاف فرض بحث ما در مساله اشتباه است. اساسا در مساله اشتباه فرض این است که حجت بالفعل اما دلیل الف است و اما باء فیکون نفی الثالث وفق القاعده یا بفرمائید فیکون فرض الثالث خلف فرض مسألة الاشتباه.

این در مسألۀ اشتباه. اما در مسألۀ تعارض می **فرماید فانّ التعارض علی ما اختاره جماعة لا یکون نافیاً لثالث**، بر خلاف مسألۀ اشتباه که نفی ثالث وفق قاعده بود.

در مسألۀ تعارض عده­ایی صراحتا می فرمایند تعارض نافی ثالث نیست مثلا اگر دلیل الف قائم شد بر این که اگر افطار کردی روزه ات را، متعمدا بالحلال یجب علیک عتق الرقبة، دلیل باء گفت اگر افطار کردی روزه ات را متعمدا، بالحلال، یجب علیک اطعام ستین مسکینا خب این دو تا.

این آقایان می گویند این دو تا با هم تعارض دارد، چون هر کدام می گوید من. عتق رقبه می گوید من. اطعام ستین مسکینا می گوید من. اما هر دو با هم نفی جیم نمی کنند، نفی این که مثلا دوماه پشت سر هم روزه گرفتن هم کفاره است این را نفی نمی کند، لذا اگر دو دلیل تساقط کردند، لا یوجد دلیل علی نفی الثالث، به عبارت دیگر دو دلیل داشتیم، مدلول مطابقی فقط داشت، این می گفت اطعام ستین مسکینا، آن میگفت عتق رقبه. تعارضا تساقطا. وقتی هیچ چیز در ان جادال بر نفی ثالث نبود، خب تکلیف ما الان روشن است می گوییم اگر رفتیم سراغ شهرین متتابعین آن دو تا دلیل درگیر با ما کاری ندارند

**الا علی مثل مسلک المحقق النائینی من عدم تبعیة المدلول الالتزامی، للمدلول المطابقی حجیة و سقوطا، و ان کان یتبعه ثبوتا فاذا سقطت حجیة مدلول المطابقی للدلیلین، فتبقی حجیة ال مدلول الاتزامی لهما فی نفی الثالث،**

در همین مسالۀ کفارات از نظر اصولی دو مبنا این جا مورد لحاظ است، یک مبنا می گوید اگر یک دلیل گفت عتق رقبه و دلیل دیگر گفت شصت مسکین طعام، این هم مدلول مطابقی و نتوانستیم این ها را جمع کنیم، تعارضا تساقطا، درست است دلیل الف که می گفت من را اخذ کن، مدلول التزامیش نفی همۀ غیر الف است، دلیل باء هم که می گفت من را اخذ کن، ملول الزامیش نفی هر آنچه غیر باء است می باشد و تا دو دلیل هستند، اجازۀ ورود قول جیم را نمی دهند. ولی وقتی دو دلیل تعارض کردند، مدلول مطابقیشان از کار افتاد، مدلول التزامی تابع للمدلول المطابقی ثبوتا و ثبوتا. مدلول الزامی هم رفت پس الان دیگر نه دلیلی داریم بر الف، نه دلیلی داریم بر باء، و نه دلیل بر نفی جیم.

این یک مبنا است که مبنای خیلی هاست اما محقق نائینی می گوید این را از من به یادگار داشته باش که مدلول الالتزامی به برکت مدلول مطابقی به دنیا می آید، مدلول التزامی ثبوتا مدیون مدلول مطابقی است اما مدلول مطابقی مثل یک بنایی است که خود ساختمان را بسازد و بمیرد، ثبوتا ساختمان مدیون بنا است، اما سقوطا وابسته به او نیست.

مدلول التزامی هم با مدلول مطابقی می آید ولی ایشان اثبات می کند که با رفتن مدلول مطابقی مدلول التزامی نمی رود، ساقط نمی شود، هنوز سر جایش محفوظ است.

بنابراین می گوییم دلیل الف که گفت عتق رقبه، دلیل باء که گفت ستین مسکینا، هر دو در مدلول مطابقی تعارضا، تساقطا ولی مدلول التزامی هر یک باقی است، و این دو در ناحیۀ مدلول الزامی که درگیری نداشتند تا آن هم ساقط شود، درگیری دلیل الف، با دلیل باء در خصوص مدلول مطابقی بود. تعارضا تساقطا اما در مدلول التزامی هر دو دلیل باقی هستند و درگیری با یکدیگری ندارند پس در نفی ثالث باز متحد هستند. این را ما بعدا باید توضیح بدهیم.

اما آنچه الان می خواهیم بگوییم این است که در مساله اشتباه حجت با لا حجت، نفی ثالث اختلافی نیست، نفی ثالث مبنایی نیست، نفی ثالث وفق قاعده است اساسا اگر بخواهد، در مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت سخن از ثالث به میان بیاید، خلف فرض اشتباه حجت و لا حجت بین الف و الباء است.

پس در مسأله اشتباه حجت با ل حجت، نفس ثالث وفق قاعده است و اختلفاش با مسألۀ تعارض این است که نفی ثالث در مسألۀ تعارض مبنایی است، اختلافی است، علی وفق القاعده نیست. طبق مبنای اکثر دلالت التزامیه ثبوتا و سقوطا مدیون دالت مطابقیه است.

بنابراین اگر دو دلیل تعارضا تساقطا، نفی ثالث که مدلول الزامی هر دو بود هم ساقط است، این یک نظر است آن هایی که این نظر را دارند شبیه مساله اشتباه در مساله تعارض نظر می دهند ولی همه این نظر را ندارند، محقق نائینی می فرماید مدلول الزامی تابع مدلول مطابقی سقوطا و حجیةً نیست بله تایع مدلول مطابقی است، ثبوتا، مرحوم نائینی می فرماید اگر مدلول مطابقی، ساقط شد در هر دو دلیل، دلیلی نداریم، که مدلول التزامی آنها هم ساقط شده باشد، نفی ثالث نتواند، چه دلیلی دارید بر این که نتوانند نفی ثالث کنند.

ببینید در مساله تعارض نفی ثالث اختلافی است، واضح و آشکار نیست ولی در مساله اشتباه واضح و آشکار است.

این مورد اول از اختلاف آثار و احکام و نتائج مسالۀ تعارض با مسألۀ اشتباه حجت با لا حجت و اما مورد دوم ان شاءالله جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .